

سرشناسه : فرقانی فر، عبدالرحمن ، ۱۳۳۰ -
 عنوان و نام پدیدآور : زخمه بر جان / عبدالرحمن فرقانی فر.
 مشخصات نشر : تهران: جامه دران ، ۱۳۹۸.
 مشخصات ظاهری : ۷۲ ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۵۲۰-۷-۰
 وضعیت فهرست نویسی : فیفا
 موضوع : شعر فارسی — قرن ۱۴
 موضوع : ۲۰th century — Persian poetry
 رده بندی کنگره : PIR۸۳۵۶
 رده بندی دیویی : ۸ فا ۶۲/۱
 شماره کتابشناسی ملی : ۵۷۷۹۱۷۸

جامه دران

انتشارات جامه دران
 زخمه بر جان / عبد الرحمن فرقانی فر
 حروف چینی: جامه دران
 صفحه آرای: زهرا جعفری
 طرح جلد: بهناز فرقانی فر
 تیراژ: نسخه ۱۱۰۰
 چاپ اول: ۱۳۹۸
 قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

تلفن: ۰۵۷-۶۶۹۵۳۰۵۷-۰۰-۶۶۴۹۹۵۵۰-۸۸۹۱۳۴

فکس: ۶۶۴۹۲۵۶۴

وبسایت: www.jamehdaran.com

ایمیل: info@jamehdaran.com

دفتر مرکزی: تهران خیابان انقلاب خیابان ابوریحان بن بست اول پلاک ۲

کلبه حقوق چاپ و نشر این اثر به صورت مکتوب، صوتی، تصویری
 متعلق به نشر جامه دران می باشد

فهرست

۶	« پیش گفتار »
۹	« بشارت »
۱۰	« آغاز هر روز »
۱۱	« زخمه بر جان »
۱۳	« فصل ناگزیر »
۱۴	« در بهار! »
۱۵	« پیام »
۱۶	« من زنده ام »
۱۸	« بوسه بر سپیدی »
۲۰	« یلدا »
۲۱	« سرگذشت »
۳۰	« نازنین ثمن! »
۳۳	« ناز شاعر »
۳۴	« هر رانی مرگبار »
۳۷	« شاعر »
۳۹	« خورشید بخت »
۴۲	« تو منی »
۴۴	« آی اسمی! »
۴۶	« پرواز بهار! »
۴۷	« شب شعر! »
۴۹	« اندوه یاد »
۵۰	« مگر ما... »
۵۲	« ای داد! ای بیداد! »
۵۴	« با آفتاب »
۵۶	« بلندای یلدا »
۵۸	« بهاری ۹۰ »
۵۹	« یاد پدر! »
۶۰	« معدن »
۶۱	« چهار پاره عشق »
۶۲	« پرنده ی کوچک من »
۶۵	« آب یا آتش »
۶۷	« پائیزی ۳۲ »
۶۹	« سهیل دور »
۷۱	« هشدارید! »

« پیش گفتار »

از دیار بهار... از تبار آزادی...

قلم زدن برای مردی که عصاره ی خوبی هاست، بیش از اندازه سخت می نماید، آن هم مردی که مسیر زندگی ات را تغییر داده است. پاهای من، همراه و همصدا و همدل آمده باشد، بی خستگی، نستوه و اسوار...، یا حتی در اوج یأس و نومیدی، دست هایت را گرفته باشد، برادرانه و دوستانه، کمترین چشمداشت و انتظار...، آن هم با سه دهه تفاوت سنی.

برای من، عبدالرئیس فرقانی فر، چیزی فراتر از یک دوست، چیزی فراتر از یک برادر، چیزی فراتر از همه ی این چیزهاست. گرچه عمر این آشنایی، به سختی به عدد اناشتان یک دست می رسد اما من او را از آغاز هستی ام احساس کرده ام چنانکه هر چه با او پیش تر رفته ام، از آغاز، دور و دورتر شده ام.

نخستین بار، در جستجوی نام و نشان برادر و دوست فقیدش، رحمت الله فرقانی فر و حسینعلی کاشانی راد، او را یافت. در ارتباطی دوردور و نادیده، که تنها صدا، بین مان رد و بدل شد. من به هزار و یک اما و اگر، که این جوان پرهیاهوی پرتکاپو کیست و چقدر می خواهد و چرا می خواهد...؟ اما زندگی، مسیر خودش را رفت، زمین چرخید و پرخید و چرخید و چه خوش چرخید. حالا من، هم به پاسخ سؤال های رسیده ام، هم به گنجی سخت عظیم. گنجی که برایش قیمتی نمی دانم. گنج انسانیت، گنج دوستی، گنج مهربانی، گنج خوبی ها، گنجی که اوست... و ای کاش او هم در این میانه چیزی یافته باشد :

چیزی میان دست ها،

چیزی میان چشم ها،

چیزی میان بودن،

گاهی بی آنکه خود بخوای

اتفاق می افتاد،

چیزی شبیه دوستی،
چیزی شبیه احساس،
چیزی شبیه انسان،
نمی دانم اما...

من این چیزها را دوست دارم.

نخستین دفتر از مجموعه ی دفاتر شعر او به سال های جوانی، هیجان، احساس، عاطفه و بیش از همه، فعالیت های اجتماعی شاعر باز می گردد که در هوای آن روزها و آن روزگار، دغدغه های انسانی او را هاشور رده است. سال هایی که بیشتر در کوچه و خیابان و معابر و کافه ها و خانه ها گذشت... سال هایی که ایستاده گذشت... بیدار و هوشیار... و این همه، در واژه ی شعرهای شاعر پیداست.

دومین مجموعه ی شعر، مربوط به دوره ی دوم غلیان شعری اوست؛ که با درگذشت، برادر فقیدش «رحمت» در اوائل مهرماه ۱۳۷۳، شروع می شود و تا اوائل دهه ۸۰ نمود ادامه می یابد. اکثر اشعار، متأثر از این واقعه ی دردناک است. تکرار مضمون غمبار آن ها نشان از این دارد که ذهن شاعر شدیداً آسیب دیده، حوله بوده و سال ها احاطه اش کرده است.

مجموعه ی پیش رو که سومین دفتر از مجموعه سه گانه اشعار اوست، مربوط به دوره ی حاضر و ادامه ی پختگی و بلوغ شعری شاعر است. فرقانی فر از سردمداران نسل دوم شعر معاصر درگان به حساب می آید که شعرهایش با مضامین عاطفی و عاشقانه، فرسنگی و اجتماعی و اغلب بنا محوریت انسان و آزادی است. حضور او از اوایل دهه ی چهل در فضای سیاسی، اجتماعی، هنری و ادبی تهران سبب شد تا ضمن برخورد نزدیک با شاعران تراز اوّلی چون احمد شاملو، منوچهر آهسی و دیگر اهالی معاصر از جمله برادر فقید و شاعرش، رحمت، جوشش ها و کوشش های شعری او، رفته رفته، پرشورتر از پیش، رشد و تعالی یابد، چنانکه خیلی زود ردپای اشعار او در نشریات سراسری وقت، چون نگین و کیهان، در دهه ی پنجاه، دیده شد.

در لابلای کارهای این مجموعه ها، که به ترتیب تاریخ سرایش
چیده شده اند، به خوبی می توان روند های مختلفی را احساس کرد:
روند پختگی زبان شاعر، روند تغییر جهت های احساسی شاعر با توجه
به حوادث روزگار، روند گسترش دامنه ی واژگان شاعر، روند شدت یافتن
غلیظت شعری شاعر با توجه به شرایط زمانه و ... و دیگر اینکه در
سفر فانی فر، به سادگی می توان تأثیر زبان و ساختار شعر شاملو را
دریافت، و این از آن دست مقولاتی ست که ما را به هم نزدیک تر
کرده است. حال که نام شاملوی بزرگ به میان آمد، چه بهتر که
پایان این کار را با جمه ی بی نظیر شاملو از شعر مارگوت بیگل
به پایان برم که وصف بحال ماست :

برای تو و خویش چشمانم از روی کرم
که چراغ ها و نشانه ها را در ظلمات ببیند
گوشی که صداها و نشانه ها را در بیهوشی می بشنود
برای تو و خویش، روحی که این همه را از خود گیرد و بپذیرد
و زبانی که در صداقت خود ما را از خاموشی خویش بیرون کشد
و بگذار از آن چیزها که در بندمان کشیده است
سخن بگوییم.

جویای راه خویش باش از این سان که منم،
در تکاپوی انسان شدن،
در میان راه دیدار می کنیم حقیقت را
آزادی را، خود را.

در میان راه می بالد و به بار می نشیند
دوستی ای که توانمان می دهد
تا برای دیگران مأمنی باشیم و یآوری
این است راه ما، تو و من.

« علی بازیدی »

صاحب امتیاز و مدیر مسئول فصلنامه استارباد